

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ جهانگشا

(تاریخ اسماعیلیه)

(جلد سوم)

علاءالدین عظاملک جوینی



ایران

مقدمه، تصحیح، تعلیقات

دکتر حبیب‌الله عباسی - دکتر ایرج مهرکی



فهرست مندرجات

پیش‌گفتار..... پنج

متن جهانگشا

- ذکر احوال الغنوین و سرقویتی بیکی ۲
- ذکر حکایتی که دلیل است بر آثار معدلت و پادشاهی منکوقآن ۶
- ذکر جلوس پادشاه هفت کشور و شهنشاه جهان منکوقآن بر سریر خانی ۸
- ذکر مکارم اخلاق پادشاه جهان منکوقآن بر سبیل اجمال ۴۶
- ذکر ارکان دولت و کفایة حضرت پادشاه جوان‌بخت ۴۸
- ذکر حرکت پادشاه‌زاده جهان هولاکو به بلاد غربی ۵۰
- ذکر حرکت پادشاه جهان هولاکو به فتح قلاع ملاحده ۵۸
- نسخه فتح‌نامه الموت ۶۲
- ذکر تقریر مذاهب باطنیان و اسماعیلیان و احوال جماعت مذکور ۷۷
- ذکر محضر مهدی مقدوح ۹۰
- ذکر جلوس مستنصر پسر ظاهر ۹۱
- ذکر کیفیت و سبب این احوال [انقراض فاطمیان و استیلای آل ایوب] ۹۳
- ذکر حسن صباح و تجدید او و دعوت ملاحده ۹۵
- ذکر ولادت حسن بن محمد بن بزرگ‌امید ۱۱۰
- ذکر احوال رکن‌الدین خورشاه بعد از وفات پدرش علاء‌الدین ۱۳۰
- ذکر احوال قلاع رکن‌الدین بعد از نزول او ۱۳۴
- ذکر تتمه احوال رکن‌الدین و انتهای کار ایشان ۱۳۸
- کیفیت واقعه بغداد ۱۴۰

تعلیقات

۱۴۷.....

فهرست‌ها.....

فهرست آیات.....

۲۵۷.....

۲۵۹.....

فهرست احادیث و عبارات عربی.....

۲۶۳.....

فهرست شعرهای فارسی.....

۲۶۷.....

فهرست شعرهای عربی.....

۲۷۱.....

فهرست نام کسان.....

۲۷۵.....

فهرست نام جای‌ها.....

۲۸۳.....

راهنمای تعلیقات.....

۲۸۹.....

مشخصات منابع و مأخذ.....

۳۱۴.....

پیش‌گفتار

افزون بر آنچه در جلدهای پیشین در باب سبک ادبی این کتاب نوشته شد، چیزی نمی‌توان گفت جز تأیید و تأکید دقیقه‌ای که بیشتر بدان اشاره شده است و آن عدم یکدستی و همسانی سبک کتاب است و این نکته در این جلد بیشتر نمود دارد؛ چه در آن با سه سبک نوشتاری روبرو هستیم: بخش نخست که حاصل مشاهدات جوینی است، تا حدود زیادی لحن و اسلوب آن به بخش‌های پایانی جلد نخست و جلد دوم شباهت دارد، اما بخش دوم کتاب به تصریح وی تلخیص آثار مستند و معتبر اسماعیلی است که طی فتح قلاع الموت از میان رفته‌اند. سبک نگارشی این بخش، سخت با قسمت نخست آن متفاوت است و از موتیف‌های تصویری و زبانی خاص جوینی مانند بازی با عناصر چهارگانه، طلوع خورشید و گفتمان‌های مختلف، دیگر خبری نیست و این مهم از دو نمونه زیر که هر یک مربوط به بخشی از این کتاب است کاملاً پیداست.

نمونه نخست:

چون آن سال به آخر کشید و از سال دیگر مژده بهار به دل‌ها می‌رسید شاه انجم از منازل هبوط و وبال به تدریج به اوج درجات عَزَّ و جلال می‌شتافت، و عزیمت مبادرت او با خانه شرف تصمیم می‌یافت، مانند خسرو پرویز فیروز روی جهان‌افروز را به تختگاه دولت می‌نهاد، و چون بر محمل حَمَلِ شاه‌ی نهاد، لواقع ریح به اعتدال مانند نسیم شمال که از خوابگاه وَرْد وَرْد بنگاه ریحان جنبان گردد در وزیدن و حرکت آمد، و برکه‌های دست‌تَنگ که پای‌دام سرمای دَی بودند و مانند بهمن در بند بهمن مانده به سعی باد صبا دل‌فراخ و عنان‌گشاده گشت،

ز روی آب به سعی صبا پدید آمد هزار چین و ز هر چین هزار نافه چین
و خاک زمین از تَفّ جمرات آتشین، دل‌گرم و خوش مزاج شد، مرکبات طایع از نشو و نما
در اهتزاز آمدند و مرغان در مرغزار به آواز؛
کنون خورد باید می خوشگوار که می بوی مشک آید از جویبار